

دکتر طهرانچی در برنامهٔ «برمودا» از علم، فرهنگ، فناوری و سیاست گفت

دانشگاه را خرج هیچ جریانی در سیاست نمی‌کنیم



«برمودا» برنامه گفت‌وگو محور شبکه نسیم یکشنبه‌شب میزبان دکتر محمدهدی طهرانچی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی بود. دکتر طهرانچی در این برنامه در کنار بیان خاطرات دوران تحصیل و تجربیات دوران مدیریت در بخش های مختلف علمی و فرهنگی کشور، دیدگاه‌های خود را نسبت به فضای آموزش عالی تشریح کرد. او در این گفت‌وگو پاسخگوی سؤالات مختلف کامران نجف‌زاده بود که بخش هایی از آن را در ادامه از نظر می گذرانید.

🇫🇮🇵🇪🇮🇷

دکتر طهرانچی با تفصیل زیاد درباره پیشینه خانوادگی خود گفت: «خانواده ما از سادات طباطبایی پرورچند هستند که نسبشان به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد. پدر بزرگ من از تجار معتبر برورچند بود که در زمینه صادرات محصولات کشاورزی مانند نخود و لوبیا فعالیت داشت. مادرم اما نخستین نسل خانواده بود که در تهران متولد شد، حدوداً از سال ۱۳۰۰ خورشیدی به بعد.»

وی با اشاره به مهاجرت خانواده به تهران افزود: «پدرم در دهه ۱۳۲۰ پس از تحولات اقتصادی آن دوران، ابتدا به اهواز رفت و سپس به تهران مهاجرت کرد. عنوان طهرانچی در آن زمان به کسانی گفته می‌شد که شغل آن‌ها مربوط به تهران است. در آن زمان برورچند بارانداز خواربار تهران محسوب می‌شد و پدرم در همین فضا به تجارت پرداخت.»

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با ذکر جزئیات بیشتری از دوران کودکی خود در محله‌های قدیمی تهران گفت: «محله ما در جنوب تهران قرار داشت، جایی بین خیابان ادیب، آب منگل، ری و مسجد سنگی. کوچه‌پس کوچه‌هایی که امروز بسیاری از آن‌ها تغییر کرده‌اند. مسجد زهرا که هنوز پابرجاست، از اماکنی بود که در آن بزرگ شدیم.»

وی ادامه داد: «در شناسنامه من نوشته شده خیابان ادیب اما سال ۴۴ در بیمارستان مهر به دنیا آمدم. آن دوران، تهران حال و هوای دیگری داشت. زندگی ساده‌تر بود و مردم روابط صمیمانه‌تری با هم داشتند.»

اگر برگردم دوباره همین مسیر را می‌روم

دکتر طهرانچی در پاسخ به سؤال مجری برنامه در خصوص ترور بهترین دوستاش به دوران نوجوانی خود اشاره کرد و گفت: «از سنین ۱۶–۱۷ سالگی که توفیق داشتیم با انقلاب زنده شویم با گروهی از دوستان آشناشدم که امیدم به دست‌گیری آنهاست. شهید عرب، محسن، مجید و مسعود از جمله این عزیزان بودند. این‌گونه مقلد بوده که با این بچه‌های آسمانی زندگی کنم؛ ازاین جهت به خود می‌بالم اما خیلی وقت‌ها دل‌تنگ همه آن‌ها می‌شوم. این جریان، جریان زندگی از نوع دیگر برای ما بوده است.»
او با اشاره به آخرین روز های زندگی شهید شهریار ی و شهید علیمحمدی افزود: «منزل ما و شهید شهریار ی به هم نزدیک بود. شب پیش از ترور با نگاه به پنجره‌های خاموش منزل او حس کردم دلم برای او تنگ شده است. در مورد مسعود (علیمحمدی) هم سر قرار ۷:۳۰ دقیقه صبح منتظرش بودیم که خبرش شدتش آمد.»

او در پاسخ به سؤال مجری برنامه در خصوص اطلاع دانشمندان هسته‌ای از خطرانی که آن‌ها را تهدید می‌کند، گفت: «بچه‌ها می‌دانستند. باور و یقین داشتند. اگر برای کشور تلاش کردی بایستی منتظر پادش هم باشی. به نظر من آدمی که دشمن نداشته باشد، نیست! هرچقدر دشمنت شقی‌تر و جدی‌تر باشد یعنی در زندگی مؤثرتر بودید. زمانی که اعتقاد داشتیم که باید زندگی و علممان را برای مردم و نام بزرگ این کشور بگذاریم، می‌دانستم که بی‌دردرسر نیست ولی فکر نمی‌کردم این‌قدر دردرسر داشته باشد؛ اما دزوه پشیمان نیستم و اگر برگردم در زندگی دوباره همین مسیر را می‌روم.»

دلایل سقوط شوروی از نگاه یک شاهد عینی

دکتر طهرانچی در بخش دیگری از صحبت‌های خود درباره دوران تحصیل در روسیه توضیح داد: «من دو انقلاب را دیدم! انقلاب اسلامی ایران و تحول شوروی و تغییر ماهیتی آن از کمونیسم به سرمایه‌داری که آن زمان در روسیه بودم. روزی که رسیدم، فردای روزی بود که یلتسین مجلس را به توپ بسته بود. همه حوادثی که چگونه یک نظام کاملاً کمونیستی به یک نظام کاملاً سرمایه‌داری تبدیل می‌شود به چشم در سه سال و ۹ ماهی که بودم درک کردم.»
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی با تحلیل عمیق‌تری از دلایل فروپاشی شوروی گفت: «جایی که نفع مردم را نبیند، پایداری نخواهد بود. بر اساس مشاهداتم، سه عامل اصلی در فروپاشی شوروی نقش داشت. نخست اینکه با فطرت خداجوی انسان‌ها نمی‌توان جنگید. دوم اینکه شوروی دچار فساد سیستماتیک فکری شد. نکته سوم اینکه در جریان تحولات فکری باید به این تحولات پاسخ داد. اگر این تحولات را در نظر نگیرید، جامعه به فضایی می‌رود که می‌شود.»

مشکل اصلی در سیاست‌گذاری ایران، غلبه نگرش سنتی به تصمیم‌گیری است. سیاست‌گذاران عموماً بر این باورند که تغییر رفتار شهروندان نیازمند اعمال مقررات سخت‌گیرانه یا مشوق‌های مالی است. این در حالی است که مطالعات رفتاری نشان داده‌اند که بسیاری از تصمیمات مردم تحت‌تأثیر عوامل شناختی و محیطی قرار دارند و تغییرات کوچک در نحوه ارائه اطلاعات یا ساختار تصمیم‌گیری

شما با آن‌ها همراه نشدید. گزاره حاکمیت و مردم به تعارض برسد، کار مشکل می‌شود. این اتفاق در شوروی افتاد.»

وی به مثال‌هایی عینی اشاره کرد: «در شوروی، مصرف مشروب فقط در آخر هفته‌ها مجاز بود، اما از طرفی مردم با کمبودهای شدید کالاهای اساسی مواجه بودند. وقتی اولین شعبه مک‌دونالد در مسکو افتتاح شد، مردم ساعت‌های طولانی در صف می‌ایستادند. این نشان می‌داد که سیستم اقتصادی شوروی پاسخگوی نیازهای مردم نیست. حضور من در روسیه دو سال پس از چرنوبیل بود. یکی از کسانی که در خوابگاه‌ما حضور داشت و من با او آشنا شدم روی چرنوبیل کار می‌کرد. بحث‌هایی که از این اتفاق و پیش از آن تعریف می‌کرد، جالب بود. او می‌گفت پس از دستور استالین، ماهه اورتانوم را پشت کامیون قرار می‌دادو کاری به این موضوع نداشت که راننده گرفتار خواهد شد. در چرنوبیل سربازانی که برای مهار بدون پوشش وارد شدند، قصه بزرگی است که تاکنون آن‌چنان باز نشده است. جوانی که برای من تعریف می‌کرد دنبال این افراد بود. این اتفاق یک نقطه عطفی است که می‌تواند نشان‌دهنده علت این باشد که چرا شوروی از هم پاشید. اینکه انسانیت انسان‌ها و سلامت آن‌ها واجب نبود و قدرت حرف اول را می‌زد.»

باید فرکانس ارسال پیام را عوض کنیم

دکتر طهرانچی در بخش دیگری از سخنان خود در تحلیل شرایط فعلی جامعه عنوان کرد: «اگر بخواهیم مردم را نگاه کنیم، نسلی مثل ماست که متولد ۳۵ تا ۵۰ هستند که زمان انقلاب حدود ۱۵ سال داشتند و در آن مشارکت کردند. نسل دیگری از ۵۰ تا ۶۸ هستند که انقلاب و جنگ را می‌بینند و همگام با آن تربیت می‌شوند. پس از آن ۶۸ تا ۸۴ را داریم که دوران رفاه اجتماعی و سازندگی است و نسلی است که این فضا را درک می‌کند. نسل دیگری پس از ۸۴ متولد شدند که من این برهه را می‌خواهم «فضای گسترده» بنامم. ما در این فضای گسترده گزاره‌های القایی داریم و گزاره‌های آن همه از خودمان نیست. ترکیبی از دو مدل است. دیوار کشیدن معنا ندارد و نمی‌توان جلوی آمدن گزاره‌های القایی را گرفت.»

او در ادامه تشریح کرد: «واقعیت این است که محیط دور و نزدیک جای خود را عوض کرده است. حاکمیت باید در این شرایط گزاره‌های خود را متحول کند. این حرف به معنای تغییر گزاره‌ها یا تغییر در سنت‌ها نیست؛ اما در گزاره‌ها می‌توانیم بازبان مردم حرف بزنیم، بشنوم و با آن‌ها باشیم.» او بیان اینکه اگر الان که به کلاس می‌رویم، نمی‌توانیم دانشجویان مثل دانشجوی ۲۰ سال قبل در نظر بگیریم، ادامه داد: «زمانی ۳ تخته را در درس ریاضی توضیح می‌نوشتم اما دانشجویسرحال بود. الان یک نیمه تخته از ریاضی و محاسبات بر می‌شود دانشجوی دست خود (به نشانه تسلیم) را بالا می‌برد. یعنی فضای تربیتی عوض شده است. من این نسل را نسل «ارتباطات گسترده» خطاب می‌کنم و سعی کردم آن‌ها را بفهمم. فرکانس طبیعی بچه‌ها عوض شده است، بنابراین ما هم باید فرکانس «ارسال را عوض کنیم.»

دانشگاه را به سمت

اصل بودن دانشجویسوق می‌دهیم

دکتر طهرانچی گفت: «اگر بخواهیم والدگری کنیم، ستاره‌زدن هنر نیست. مگر ما سازمان هستیم؟ این حرف‌ها را بعضی اوقات متوجه نمی‌شوم. دانشگاه آزاد، دانشگاه اجتماعی است و از این جنبه‌ها سیاسی محسوب نمی‌شود. سیاست در آن هست اما سیاسی نیست. از دید من حراست به دنبال کار سازمان‌یافته برود اما استاد باید با دانشجوی حرف بزند و نگاه او والدگری باشد. به همین خاطر است که ما در فضای دانشگاه آزاد کمترین حوادث را داشتیم. هر کدام از بچه‌ها که حتی در سطح شهر تخلفی می‌کرد، رئیس واحد ما خودش می‌رفت ضمانتش را می‌کردو در ماشین با او گپ‌وگفتی داشت. باید با بچه‌ها صحبت کرد.»

او در پاسخ به سؤال مجری برنامه درباره نحوه بیان اعتراض توسط دانشجویان گفت: «زمانی که آموزش را در دانشگاه اجرا کردیم، سایت اینستاگرام در آن مقطع باز بود. من قسمت نظرات آن را باز گذاشته بودم. خودم نظرات بچه‌ها را می‌خواندم، می‌گفتم بگذارید خودم بخوانم که به‌باور کنم همه کارم کامل نیست. شخصاً ایمیل‌ها یم را می‌خوانم، با کارمندی که در فضای مجازی تندترین انتقادات را مطرح کرده تماس گرفتم و صحبت کردم. در فضای مجازی هم رصد می‌کنم.»

دکتر طهرانچی در ادامه با اشاره به طراحی سیستم جدید برای دریافت درخواست‌های دانشجویان توضیح داد: «برای همه دانشجویان ایمیل در نظر گرفتیم و سیستمی طراحی کرده‌ایم که هر ۴۰ دانشجویی حامی دارند تمام مکاتبات (درخواست‌ها) آن‌ها رصد می‌شود. هدف ما این است که

دانشگاه را به سمت خدمت‌رسانی بهتر و اصل بودن دانشجویسوق دهیم.» رئیس دانشگاه آزاد با اشاره به حادثه اتوبوس واحد علوم و تحقیقات گفت: «حادثه‌سختی بودو بچه‌ها در واحد تجمع کرده بودند. من با همین شرایط (حفاظتی) که دارم از پایین حرکت کردم، پیش بچه‌ها رفتم و با آن‌ها صحبت کردم. برخی با موبایل یواشکی در حال فیلم برداری بودند، به آن‌ها گفتم چرا یواشکی فیلم می‌گیرید؟ ما یابلتان را بالا بیآورید. ۳ ساعت با آن‌ها صحبت کردم. بچه‌ها خشمگین بودند اما عاقل هستند و می‌فهمند.

ما همواره تلاش کردیم مثل پدری که در مقابل پرتگاه ترده می‌گذارد، بیشتر از اینکه بخواهیم به فرزندمانم بگویم آتجا نروند، فکر آن ترده باشیم. بارها بارها کنش حراست ما پیش دستانه بوده؛ چراکه این بچه‌ها سرمایه کشور هستند. هر قدر نره خودم را دوست دارم، باید به این بچه‌ها خدمت کنم.»

مسئله دانشگاه در ایران پیشرفت نبوده است

دکتر طهرانچی در پاسخ به اینکه اگر امروز دانشجوی دانشگاه آزاد بودید، از چه چیزی گلایه می‌کردید؟ گفت: «مشکل اصلی این است که ما قوه عاقله مستعمری در نظام مدرسه و دانشگاه نداریم که بتواند همگام با تحولات پیش برود.»

رئیس دانشگاه آزاد ادامه داد: «دکتر داوری جمله‌ای در کتاب «فلسفه و آینده‌نگری» دارد که می‌گوید مسیر توسعه مسیر تقلیدی نیست؛ چراکه به نقطه گذشته و حال شرایط مرزی مربوط است. ما در فیزیک یک آونگ مرکب داریم که وقتی آن را جمع و کاه کنید هر بار یک شکلی حرکت می‌کند، چون شرایط اولیه‌اش یکسان نیست. ما با یک آشفنگی طرف هستیم، در نظام پزشکی خودمان بیمارستان را اداره می‌کنیم، آخرین تحولات جامعه را نگاه کرده و بعد در دانشگاه فضا را برای مواجهه با آن درست می‌کنیم. در این حالت پزشکی با اجتماع ما اتصال کاملی دارد اما آموزش و پرورش ما به کجا وصل است؟ دانشگاه‌ها زیر نظر وزارت علوم هستند که اساساً کاری ندارد به اینکه در مدرسه چه خبر است. مدارس تحت مدیریت وزارت آموزش و پرورش هستند که مسئولش حقوق معلم و سرایدار است. هیچ تباد و ارتباطی هم بین این دو وجود ندارد.»

وی ادامه داد: «فاصله دانشجویان با بازار کار و صنعت بسیار زیاد است. اگر من می‌خواستم انتقاد کنم به این روش آموزش انتقاد می‌کردم. در دوران تحصیل ما، دانشجوی به دنبال دانایی بود و توانایی‌اش را از ماشین می‌گرفت. در حال حاضر جوان دانایی خودش را از ماشین می‌گیرد و خودش دنبال توانایی است.»

دکتر طهرانچی در ادامه تصریح کرد: «در نظامی که من می‌خواهم تدریس کنم، موضوعی را می‌خواهد بگوید که آن‌ها آماده دریافتش نیستند. ما جبر گرفتن بلد بودیم اما چند جوان امروز جذر گرفتن را بلد هستند؟ چرا باید و قششان را صرف یادگیری جذر کنند؟ ما باید نوع مواجهه با مسئله آموزش را با توجه به تغییرات زیست‌بوم بچه‌ها تغییر دهیم.»
رئیس دانشگاه آزاد بیان اینکه این تغییر را با ایجاد نظام پایه و عرصه ایجاد کردیم، ادامه داد: «در اصفهان طرحی با عنوان نشاط را اجرا کردیم. وقتی می‌خواهند تاریخ انقلاب را تدریس کنند دانشجویان را به خانه مشروطیت می‌برند. آن‌گاه آن‌ها مستقیماً با تاریخ مواجه شدند و سؤالات بسیاری مطرح کردند. ما بچه‌ها را در مواجهه با امر عینی نمی‌گذاریم. سیستم ما دیگر معلم و شاگردی نیست. ه